

دکتر دیوید ال. متیوسون، الهیات عهد جدید، جلسه ۱۱، عهد جدید

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه یازدهم در مورد عهد، به ویژه عهد جدید است.

بنابراین، ما به عهد جدید به عنوان نوعی عهد فراگیر نگاه کرده‌ایم که تحقق همه عهدهای دیگر، یعنی عهد ابراهیمی، عهد نوحی، عهد موسی و عهد داوودی را به ارمغان می‌آورد.

همه آنها به نوعی در عهد جدید به عنوان عهدی فراگیر، تحقق خود را می‌یابند. ما بررسی عهد جدید را از این نظر آغاز کردیم که چگونه انجیل‌ها تحقق آن را در رسالت عیسی، در سخنان او در شام خداوند، به تصویر می‌کشند، جایی که عیسی در عید فصح تجلیل می‌شود و نشان می‌دهد که مرگ قریب‌الوقوع او، خون او عهد جدید را تأیید و آغاز می‌کند. ما به تعدادی از متون دیگر در انجیل‌ها نگاه کردیم که بدون استفاده از کلمه عهد، نشان می‌دهند که عیسی برای آغاز عهد آمده است تا برکات عهد جدید را به قوم خود اعطا کند.

بنابراین، با توجه به عهد جدید و قوم، این دو موضوع، در ادامه به قوم خدا خواهیم پرداخت، اما این دو موضوع اساساً با هم همپوشانی دارند. کاری که اکنون می‌خواهم انجام دهم این است که به موضوع عهد جدید در بقیه عهد جدید نگاهی بیندازم. و صرفاً جهت یادآوری، این را چندین بار خواهیم گفت، اما صرفاً جهت یادآوری، تحقق عهد جدید و برکات آن طبق طرح آخرالزمانی آغازین صورت می‌گیرد.

یعنی ما از قبل در تحقق و برکات عهد تحت عهد جدید مشارکت داریم و از آنها لذت می‌بریم. بنابراین، اینها فقط برکاتی نیستند که به نوعی از بین بروند، بلکه این عهد واقعاً تصویب نشده یا چیزی شبیه به آن است اما ما از قبل در این برکات مشارکت داریم زیرا عهد جدید از طریق مرگ عیسی مسیح تصویب و آغاز شده است، با این حال، اینها پیش از اتمام نهایی عهد جدید اتفاق می‌افتند.

و بنابراین، ما به هر دوی آنها نگاه خواهیم کرد. به تعدادی از متونی که در بقیه عهد جدید، به ویژه در ادبیات پولس، و همچنین در چند جای دیگر که به آغاز عهد جدید، مطابق با آنچه در انجیل‌ها می‌یابیم اشاره دارند، نگاهی خواهیم انداخت. سپس، فقط به چند متن، به ویژه یکی، که نشان دهنده تحقق نهایی وعده‌های عهد جدید است، نگاهی خواهیم انداخت.

بنابراین، این اتفاق طبق طرحی که قبلاً، اما نه هنوز، در مورد دیگران، مضامین دیگر در عهد جدید و سایر مضامین کتاب مقدسی-الهیاتی دیده‌ایم، رخ می‌دهد. و نکته دیگری که باید به شما یادآوری کنم این است که بسیاری از متونی که به آنها اشاره خواهیم کرد، متونی هستند که قبلاً به آنها پرداخته‌ایم. بنابراین، همانطور که گفتیم، اکثر این مضامین به طور یکپارچه با یکدیگر مرتبط و در هم تنیده هستند.

بنابراین، اغلب جدا کردن آنها از هم در اشاره به یک موضوع دشوار است، در حالی که شما به موضوع دیگری اشاره می‌کنید. بنابراین، برخی از این متون که به احیا و خلقت جدید اشاره داشتند، یا آنچه که خواهیم دید، اکنون به قوم خدا اشاره خواهیم کرد، یا حتی عهد عتیق یا عهد داوود را اکنون در متن عهد جدید نیز خواهیم یافت. و سپس برخی از این متون را دوباره تکرار خواهیم کرد؛ آنها را به عنوان متون مهمی خواهیم دید که به موضوع قوم خدا اشاره دارند، اما در بقیه عهد جدید به عهد جدید اشاره دارند.

می‌خواهم با متنی شروع کنم که شامل اشارات صریح به عهد جدید و متون عهد جدید از عهد عتیق و نحوه توسعه آنها است. و سپس، به تعدادی از متون ضمنی خواهیم پرداخت. و منظور من از این، متونی است که لزوماً از کلمه عهد استفاده نمی‌کنند یا صریحاً به عهد اشاره نمی‌کنند یا به بخش‌هایی از عهد عتیق که به عهد جدید اشاره دارند، اشاره نمی‌کنند.

اما با این وجود، به نظر می‌رسد که آنها عناصری از عهد جدید را در بر می‌گیرند. به نظر می‌رسد که آنها، برکاتی را منتقل می‌کنند یا با برکات عهد جدید، مانند بخشش گناهان و چیزهایی از این قبیل، سروکار دارند که نشان می‌دهد نویسنده عهد جدید را پذیرفته است یا اینکه این برکاتی که نویسنده توصیف می‌کند، آنهایی هستند که با تأسیس و آغاز عهد جدید مرتبط هستند. بنابراین، می‌خواهم با یک متن صریح شروع کنم، و آن دوم قرن‌تین فصل سوم و دوم قرن‌تین فصل سوم است.

و من با آیه اول و فقط چند آیه از آن شروع به خواندن می‌کنم. من به هیچ وجه کل فصل را نمی‌خوانم، بلکه چند آیه اول آن را می‌خوانم که واضح است پولس از آن استفاده می‌کند، همانطور که خواهید دید زبانی که مستقیماً از متون عهد جدید، به ویژه ارمیا فصل ۳۱ و همچنین حزقیال فصل‌های ۳۶ و ۳۷ آمده است. بنابراین، با شروع از فصل سوم و آیه اول دوم قرن‌تین، پولس می‌گوید، آیا ما دوباره شروع به ستایش خودمان کرده‌ایم؟ یا به توصیه‌نامه‌های برخی افراد به شما یا از شما نیاز داریم؟ شما خود نامه ما هستید که در قلب‌های ما نوشته شده و توسط همه شناخته و خوانده می‌شود.

شما می‌دانید که نامه‌ای از جانب مسیح هستید. نتیجه‌ی این خدمت، نوشته شده نه با جوهر، بلکه با روح خدای زنده، نه بر لوح‌های سنگی، بلکه بر لوح‌های قلب‌های انسانی است. ما به واسطه‌ی مسیح در حضور خدا چنین اطمینانی داریم، نه اینکه خودمان صلاحیت داشته باشیم چیزی را برای خودمان ادعا کنیم، بلکه صلاحیت ما از جانب خداست. او به اندازه‌ی خدمت‌های عهد جدید صلاحیت بخشیده است.

بنابراین، اشاره روشنی به عهد جدید وجود دارد، نه به حرف، بلکه به روح، زیرا حرف می‌کشد، اما روح حیات می‌بخشد. حال، اگر خدمتی که مرگ را به ارمغان آورد، که در حروف و سنگ حک شده بود، با جلال آمد، به طوری که بنی‌اسرائیل به دلیل جلال آن، که یک فکر گذرا بود، نمی‌توانستند به چهره موسی خیره شوند، آیا خدمت روح یا عهد جدید حتی باشکوه‌تر نخواهد بود؟ اگر خدمتی که محکومیت را به ارمغان آورد باشکوه بود، خدمتی که عدالت را به ارمغان می‌آورد چقدر باشکوه‌تر است؟ خدمتی که عدالت را به ارمغان می‌آورد، به عنوان عهد جدید برای آنچه باشکوه بود، اکنون در مقایسه با جلال برتر، شکوهی ندارد.

و، اگر آن گذرا بود، اگر آنچه گذرا بود با جلال همراه بود، جلال آن چقدر بزرگتر است، که ماندگار است، بنابراین، از آنجایی که ما چنین امیدی داریم، بسیار جسور هستیم. ما مانند موسی نیستیم که نقابی بر چهره خود کشید تا مانع از دیدن پایان آنچه که در حال گذر بود توسط بنی‌اسرائیل شود. اما ذهن آنها عروسک شد، زیرا تا به امروز، همان نقاب هنگام خواندن عهد عتیق باقی می‌ماند.

برداشته نشده است، زیرا فقط در مسیح برداشته شده است. حتی تا به امروز، وقتی موسی خوانده می‌شود، حجابی قلب آنها را پوشانده است. اجازه دهید به آیات ۱۷ و ۱۸ پردازم.

اکنون خداوند روح است، و هر جا که روح خداوند باشد، آزادی وجود دارد. و همه ما که با چهره‌های بی‌پوشش، جلال خداوند را در نظر می‌گیریم، با جلال روزافزونی که از جانب خداوند، که روح است، می‌آید، به تصویر او تبدیل می‌شویم. حال، در این بخش، من همین الان خواندم، چیزهای زیادی می‌توان گفت.

و یک بار دیگر، ما در متونی مانند این و سایر متونی که بررسی کرده‌ایم، وقت نداریم تا به تفسیر مفصلی پردازیم و به تمام سوالاتی که ممکن است در مورد این متن داشته باشید پاسخ دهیم. اما می‌خواهم به سادگی

تعدادی از نظرات مربوط به عهد جدید را در این متن بیان کنم. اول از همه، وظیفه این متن این است که نشان دهد پولس، در مقایسه با موسی که خادم عهد عتیق است، خادم عهد جدید است.

بنابراین، پولس خود را با موسی مقایسه می‌کند، مقایسه و مقابله می‌کند؛ موسی شریعت را داد، اما اکنون پولس از طریق خدمت خود، روح عهد جدید را به مردم منتقل می‌کند. پس به مقایسه و مقابله‌ی متقابل شریعت بین آنچه شریعت انجام می‌داد و آنچه شریعت تحت خدمت موسی به انجام رساند، توجه کنید. و اکنون به عظمت و جلال بی‌نظیر عهد جدید.

بنابراین، پولس می‌گوید، بله، جلالی با عهد عتیق همراه بود، اما چقدر بزرگتر از جلالی است که با عهد جدید همراه است که اکنون پولس خود را به عنوان واسطه می‌بیند. بنابراین، پولس در حال ایجاد یک مقایسه بین خود و موسی است، زیرا موسی خادم عهد عتیق بود. اکنون پولس خود را به عنوان خادم و واسطه عهد جدید می‌بیند، همانطور که به ویژه با حضور روح القدس نشان داده شده است.

بنابراین، اشاره به روح القدس، متون عهد جدید، مانند یوئیل فصل دوم و حزقیال فصل ۳۶ را با نزول روح القدس به یاد می‌آورد. و ما دوباره به این موضوع باز خواهیم گشت، اما، اما، اما یک بار دیگر، این نشان می‌دهد که وقتی در مورد روح القدس صحبت می‌کنیم و اشاراتی به روح القدس می‌بینیم، نه تنها در اینجا در دوم قرن‌تین فصل سوم، بلکه در جاهای دیگر نامه‌های پولس در عهد جدید، در نهایت ریشه در عهد عتیق دارد. این یک چیز مسیحی نیست.

این اختراع پولس نیست. این چیزی نیست که نویسندگان عهد جدید ناگهان تصمیم به تأکید بر آن بگیرند. اما حضور روح القدس چیزی کمتر از تحقق وعده‌های عهد جدید خدا در عهد عتیق نیست.

بنابراین، پولس خود را به عنوان خادم عهد جدید در قیاس با موسی به عنوان خادم عهد عتیق می‌بیند. جالب، اینجاست که خدمت پولس را حتی می‌توان بر اساس خدمت ارمیا نیز در نظر گرفت. همانطور که گفتیم بخش زیادی از آنچه پولس در فصل سوم می‌گوید، برگرفته از کتاب ارمیا، به ویژه فصل ۳۱، متن عهد جدید است، اما در جاهای دیگر نیز توجه کنید که بعداً در دوم قرن‌تین فصل ۱۰ و آیه هشت، پولس خدمت خود را به این شکل توصیف می‌کند.

بنابراین، حتی اگر تا حدودی آزادانه در مورد اقتدار لاف بزنم، خداوند رسولان را برای ساختن به ما داد نه برای تخریب. من از این بابت شرمند نخواهم بود. و آن عبارت ساختن و تخریب کردن در واقع درست از کتاب ارمیا در همان ابتدای فصل اول ارمیا آمده است.

پیامبر دعوت و خدمت خود را در آیات نه و ده توصیف می‌کند: «آنگاه خداوند دست خود را دراز کرد و دهان مرا لمس نمود و به من گفت:» من کلام خود را در دهان تو گذاشتم. امروز بنگر، و من تو را بر ملت‌ها و پادشاهی‌ها می‌گمارم تا آنها را ریشه کن کنی و خراب کنی، نابود کنی و سرنگون سازی، بسازی و بکاری.» اما اکنون، پولس و بسیاری از این‌ها به این دلیل بود که پیام ارمیا قرار بود پیام داوری بر اسرائیل و ملت‌ها باشد، اما همچنین وعده سریع بازسازی در عهد جدید.

حال، به نوعی، در مقابل، پولس در فصل ۱۰ از دوم قرن‌تین به ما می‌گوید که رسالت خود را نه تخریب بلکه عمدتاً بنا کردن می‌داند. من این را از طریق واسطه‌گری عهد جدید، یعنی روح القدس، برای مردم از طریق رسالت خود می‌فهمم. بنابراین اکنون پولس به جای تخریب، بنا می‌کند، زیرا عهد جدید آغاز شده است و زیرا رسالت او واسطه‌گری عهد جدید، یعنی روح القدس، برای مردم است.

دوباره به تضاد بین عهد عتیق و عهد جدید که بر شریعت مکتوب تمرکز داشت، توجه کنید. بنابراین، این زبان نوشته شده بر سنگ و حکاکی شده با حروف بر سنگ، آیه هفتم، حتی نوشته شده با جوهر، این، این زبان، از، از، نوشته شده بر لوح‌ها، این به عهد عتیق اشاره دارد. عهد جدید با این واقعیت نشان داده می‌شود که خدا اکنون از طریق قدرت روح القدس در قلب انسان‌ها در حال کار است.

پولس حتی می‌توانست بگوید که شریعت می‌کشد، اما در نهایت، روح به عهد جدید، یعنی روح القدس، حیات می‌بخشد. باز هم، در لحظه‌ای خواهیم دید که آن زبان مستقیماً به متن عهد جدید برمی‌گردد، مانند ارمیا فصل ۳۱ و حزقیال فصل ۳۶ یا ۳۷. بنابراین، وقتی پولس در فصل دوم، فصل سوم آیه، آیه سوم از رساله دوم قرن‌تین توصیف می‌کند، می‌گوید: «شما نشان می‌دهید که نامه‌ای از مسیح و نتیجه خدمت ما هستید، که نه با جوهر، بلکه با روح خدای زنده نوشته شده است، نه بر لوح‌های سنگی، مانند شریعت موزاییکی.» بلکه بر لوح‌های قلب‌های انسانی، به وضوح به حزقیال فصل ۳۶ اشاره دارد.

و همچنین، به ویژه برای ارمیا فصل ۳۱ و آیات ۳۱ تا ۳۴، که در آن این عهدی است که من با قوم اسرائیل خواهم بست. شریعت خود را در قلب‌هایشان خواهم گذاشت و آن را بر قلب‌هایشان خواهم نوشت. بنابراین، پولس به وضوح به ارمیا ۳۱ و متن عهد جدید اشاره می‌کند.

عهد جدید در این بخش به وضوح به قدرت و حضور روح القدس حیات‌بخش وابسته است. بنابراین، در مرکز خدمت عهد جدید پولس، همانطور که پولس توصیف می‌کند، روح حیات‌بخش خداست. بنابراین، او دوباره در آیات ششم می‌گوید که عهد جدیدی که پولس آن را ارائه می‌دهد، از روی کاغذ نیست، بلکه از روی روح است، زیرا کاغذ می‌کشد، و روح حیات می‌بخشد.

و همین مطلب را در آیه هفت نیز می‌یابیم. حال، اگر خدمتی که مرگ را به ارمغان آورد، که با حروف روی سنگ حک شده بود، با جلال و شکوهی آمد که نمی‌توانستند به آن نگاه کنند. آیه هشت، آیا خدمت روح حتی باشکوه‌تر نخواهد بود؟

و سپس آیه ۱۸. و همه ما که با چهره‌های بی‌نقاب هستیم، در مورد جلال خداوند که در حال تبدیل شدن، به تصویر اوست، با جلالی روزافزون، تأمل می‌کنیم، که از جانب خداوند، که روح است، می‌آید. بنابراین روح القدس نقش کلیدی ایفا می‌کند.

روح حیات‌بخش نقش کلیدی در درک پولس از عهد جدید ایفا می‌کند. علاوه بر این، در این بخش، پولس همچنین متقاعد شده است که اثبات آغاز عصر عهد جدید، زندگی‌های دگرگون‌شده‌ای است که از آن حاصل می‌شوند. زندگی دگرگون‌شده در زندگی‌های دگرگون‌شده قوم خدا، گواهی بر این است که عصر عهد جدید توسط حزقیال و ارمیا آغاز و تکمیل شده است.

بنابراین، برای مثال، در حزقیال فصل ۳۶ و آیات ۲۵ تا ۲۷، یک بار دیگر، می‌دانم که ما این متون را قبلاً خوانده‌ایم، اما در ارتباط با چیزهای دیگر. اما اکنون می‌بینیم که پولس به صراحت، فکر می‌کند، به تعدادی از این موارد در فصل ۳۶ حزقیال و ۲۵ و ۲۶ اشاره می‌کند، من آب پاک را بر شما خواهم پاشید و شما پاک خواهید شد. من شما را از ناخالصی‌هایتان و از همه بت‌هایتان پاک خواهم کرد.

من به شما قلبی تازه خواهم داد و روح خود را در شما خواهم نهاد. قلب سنگی شما را از شما دور کرده و قلبی گوشتی به شما خواهم داد. و دوباره، به زبان قلب توجه کنید، قلب گوشتی در مقابل قلب سنگی در پرتو سنگ و روح در تقابل با آن نکته در دوم قرن‌تین سوم، دوباره، آنچه پولس در آیه ۱۸ از دوم قرن‌تین سوم می‌گوید، همه ما، که با چهره‌های بی‌پوشش، جلال خداوند را در نظر می‌گیریم، با جلال روزافزونی که از جانب خداوند می‌آید، که همان روح است، به تصویر او تبدیل می‌شویم.

و حداقل از نظر مفهومی، دوباره، در اینجا می‌بینیم که پولس تحول را با دریافت روح مرتبط می‌کند، که همان پیوندی است که در حزقیال فصل ۳۶ در مورد تطهیر که اتفاق خواهد افتاد، یافت می‌شود زیرا خدا روح خود را در قوم خود قرار خواهد داد. و به همین ترتیب، در فصل سوم و آیه ششم از دوم قرن‌تیان، او ما را به عنوان خادمان عهد جدید، نه از روی حرف، بلکه از روی روح، شایسته ساخته است، زیرا حرف می‌کشد، اما روح حیات می‌بخشد. باز هم، اشاره‌ای واضح به ارمیا ۳۱ و ۳۱ و ۳۴، و اینکه خدا روح خود را بر مردم می‌ریزد یا به آنها قلبی جدید می‌دهد و شریعت را در قلب آنها می‌نویسد.

بنابراین، آنها قادر به اطاعت و حفظ فرامین خدا و پاک کردن خود از بت‌پرستی و گناه‌آلودگی‌شان هستند. با این حال، ویژگی کلیدی این بخش نیز، یا باید بگویم یکی دیگر از ویژگی‌های کلیدی، نه ویژگی کلیدی، بلکه یکی دیگر از ویژگی‌های کلیدی، این است که بار دیگر جالب توجه است که متنی را پیدا می‌کنیم که در اصل در زمینه خود در حزقیال ۳۶ و ارمیا ۳۱ آمده است، متنی که در اسرائیل ملی تحقق یافت یا قرار بود تحقق یابد. باز هم، هم حزقیال ۳۶ و هم ارمیا ۳۱ در زمینه احیای قوم خدا، اسرائیل، هستند.

اما اکنون می‌بینیم که این وعده‌ها و متون عهد جدید نه در قوم اسرائیل، بلکه در مسیح به انجام رسیده و همه مردم، یهودی و غیریهودی، را در بر می‌گیرد. بنابراین، پولس در دوم قرن‌تیان به وضوح یک مسیحی غیریهودی در شهر قرنتس را مورد خطاب قرار می‌دهد. و اکنون آنها در وعده‌های عهد جدید خدا که در عهد عتیق در ابتدا برای اسرائیل اعمال می‌شد، مشارکت دارند، اما اکنون گسترش یافته و غیریهودیان را نیز در بر می‌گیرد.

وقتی به موضوع قوم خدا رسیدیم، بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اینکه چرا و چگونه پولس و دیگر نویسندگان عهد جدید این کار را انجام می‌دهند. اما همانطور که قبلاً دیده‌ایم، یکی از نکات کلیدی پیش‌بینی این است که چه چیزی به طور کامل‌تر تحت نظر قوم خدا توسعه خواهد یافت. یکی از نکات کلیدی این است که نویسندگان عهد جدید، تحقق این وعده‌ها را اول از همه در عیسی مسیح می‌بینند. با بازگشت به بحثمان در مورد انجیل‌ها، این موضوع را در کتاب عبرانیان نیز خواهیم دید: وعده‌های عهد جدید اول از همه در عیسی مسیح تحقق می‌یابند؛ مرگ و رستاخیز او عهد جدید را تأیید، آغاز و اجرا می‌کند.

سپس قوم او در عهد جدید نیز شرکت کردند. و عهد جدید به واسطه تعلق آنها به عیسی مسیح، در آنها و برای آنها محقق می‌شود. بنابراین، در فصل سوم اول قرن‌تیان یا دوم قرن‌تیان می‌بینیم که این متون عهد جدید از حزقیال و ارمیا اکنون نه در اسرائیل ملی، نه به صورت قومی در قوم اسرائیل، بلکه اکنون به دلیل تحقق در شخص عیسی مسیح، همه مردم را در بر می‌گیرد.

آخرین ویژگی عهد جدید در دوم قرن‌تیان سوم این واقعیت است که اگر به بخشی بروید که قبلاً در رابطه با، چند مورد به آن پرداخته‌ایم، و اگر به دوم قرن‌تیان فصل ششم بروید، دوباره به آن نگاه خواهیم کرد. خواهیم دید که بحث پولس در مورد عهد جدید در فرمول عهد با حضور خدا در میان به اوج خود می‌رسد. بنابراین، در دوم قرن‌تیان فصل ششم و آیه ۱۶، جایی که پولس می‌گوید، چه توافقی بین معبد خدا و بت‌ها وجود دارد، زیرا ما معبد خدای زنده هستیم؟ همانطور که خدا گفته است، من با آنها زندگی خواهم کرد و در میان آنها راه خواهم رفت، و من خدای آنها خواهم بود، و آنها قوم من خواهند بود.

حال، ما این متن را در ارتباط با موضوع معبد بررسی کرده‌ایم، که ارتباط نزدیکی با موضوع عهد دارد. اما در اینجا، بحث پولس در مورد عهد جدید اکنون با اشاره به خدا، فرمول عهد با خدا که با قوم خود ساکن است، به اوج خود می‌رسد. بار دیگر، این متن احتمالاً ترکیبی از لاویان ۲۶ و حزقیال ۳۷ و آیات ۲۶ و ۲۷ است که فرمول عهد در میان بحث حزقیال در مورد آغاز عهد جدید است، که می‌بینیم پولس قبلاً در فصل سوم به آن اشاره کرده و به آن اشاره کرده است.

حالا، او دوباره حزقیال ۳۷ را برمی دارد و به آن اشاره می کند یا در واقع آن را به عنوان بخشی از درک خود از عهد جدید نقل می کند. بخشی از عهد جدید این است که خدا اکنون نیز در میان قوم خود ساکن می شود و با آنها زندگی می کند. اما ما در مورد موضوع معبد دیدیم، نه از نظر ساختار فیزیکی معبد، بلکه خود قوم اکنون معبد خدا و محل سکونت خدا هستند.

ضمناً، بعداً، من آیه ۱۶ از دوم قرن تیان ۶ را خواندم. اگر در آیه ۱۸ دو آیه به پایین حرکت کنید، پولس از دوم سموئیل ۷ آیه ۱۴ نقل قول می کند، من پدر شما خواهم بود و شما پسران و دختران من خواهید بود خداوند متعال می گوید. او در واقع دوم سموئیل ۷ را با متنی از اشعیا ترکیب می کند، اما جالب است. ما قبلاً گفتیم که نکته منحصر به فرد در مورد این موضوع این است که پولس فرمول عهد داوود را نه در مورد عیسی در این مرحله، بلکه برای قوم خود، برای پیروانش به کار می برد.

به عبارت دیگر، به طرز جالبی، آنچه پولس پیشنهاد می کند، احیای قوم خدا تحت عهد جدید است. تحقق عهد جدید و برقراری عهد جدید با قوم خدا اکنون تحت سلطنت پسر داوود، عیسی مسیح، اتفاق می افتد. به عبارت دیگر، عهد جدید، روشی که در نهایت این عهد محقق خواهد شد، در چارچوب برقراری عهد جدید نیز قرار دارد.

یادآوری می کنم که همه اینها در زمینه پاکی نیز هست. تمام دلیلی که پولس این متون را در فصل ۶ نقل می کند این است که خوانندگان خود را به جدا شدن از کسانی که از نظر روحانی ناپاک هستند، فرا می خواند بنابراین، همانطور که گفتیم، ویژگی کلیدی، دلیل کلیدی و نشانگر اصلی تحقق عهد جدید، زندگی دگرگون شده مردم و پاکی آنهاست.

همانطور که در حزقیال ۳۶ و ارمیا ۳۱ می خوانیم، خدا آنها را از گناهانشان پاک می کند. خدا آنها را از شرارت و بت پرستی پاک می کند، شریعت خود را بر قلب هایشان می نویسد و روح خود را در درونشان قرار می دهد. بنابراین، ناگزیر، اگر کسی در نجات عهد جدید شرکت کند، اگر کسی روح القدس عهد جدید را دریافت کرده باشد، ناگزیر نمی تواند از یک زندگی دگرگون شده اجتناب کند و آن را در یک زندگی دگرگون شده و در دنبال کردن یک زندگی پاک و مقدس، سرمشق قرار دهد.

بنابراین، دوم قرن تیان ۳ متن مهمی است که درک پولس از عهد جدید را توسعه می دهد. بار دیگر، می توانیم چیزهای زیادی در مورد آن بگوییم، اما فکر می کنم در دوم قرن تیان به اندازه کافی گفته ایم تا نشان دهیم که عهد جدید برای پولس نیز یک ساختار اساسی است، تا جایی که به درک رابطه خدا با قومش، برخورداری قوم از رستگاری و زندگی های دگرگون شده و تقدس و پاکی که او می خواهد قومش در آن زندگی کنند، کار و نقش روح القدس در زندگی آنها مربوط می شود. همه این موارد تحت ساختار عهد جدیدی قرار می گیرند که در شخص عیسی مسیح آغاز شده است و اکنون قوم او نیز در آن شرکت می کنند.

بنابراین، دوم قرن تیان ۳ یک متن صریح است، فصل ۳ تا فصل ۶ دوم قرن تیان متنی صریح است که به عهد جدید اشاره می کند. کاری که اکنون می خواهیم انجام دهیم این است که شاید به تعدادی از متون ضمنی که بار دیگر به برکات یا عناصر عهد جدید اشاره می کنند، نگاهی بیندازیم. حتی اگر آنها به صراحت از عهد جدید یا زبان عهد جدید استفاده نکنند، مطمئناً به نظر می رسد که وجود و تحقق عهد جدید را فرض می کنند.

یکی از آنها این واقعیت است که می بینیم پولس در چندین جا به تشکیل قوم جدید خدا اشاره می کند. متنی که قبلاً به آن نگاه کرده ایم و مهم است، بنابراین من کل بخش را دوباره نمی خوانم، افسسیان فصل ۲، آیات ۱ تا ۲۲ است، بخشی که دیدیم پولس دوباره به آن اشاره می کند، اگرچه آن را نقل نمی کند، اما به مفاهیم ۱۱ و متون، متون خاص، به ویژه از کتاب اشعیا اشاره می کند و آن متون در اشعیا در زمینه احیای قوم خدا

اسرائیل هستند. اکنون، پولس به متون افسسیان ۲:۱۱ تا ۲۲ اشاره می‌کند، جایی که به دلیل مرگ مسیح بر روی صلیب، او صلح موعودی را که اشعیا پیش‌بینی کرده بود، به ارمغان آورده است.

او موعود بازگشتی را که اشعیا پیش‌بینی کرده بود، به ارمغان آورده است. او با متحد کردن یهودیان و غیریهودیان در یک بشریت جدید، یک بدن جدید و کلیسا، خلقت جدید موعود و بشریت جدیدی را که در اشعیا پیش‌بینی شده بود، بازگرداند. بنابراین، به نظر می‌رسد افسسیان ۲، ۱۱ تا ۲۲ با تکیه بر متون بازگشتی، بازگرداندن قوم خدا، تحقق آن را در اتحاد یهودیان و غیریهودیان در یک بشریت جدید، در یک بدن جدید، کلیسا، از طریق عیسی مسیح می‌بیند.

همچنین، بسیار شبیه به فرمول عهد جدید، و بسیار شبیه به آنچه در دوم قرن‌تیا ۳ و ۶ یافتیم، افسسیان ۲ تا ۲۲ با سکونت معبد خدا با قومش به اوج خود می‌رسد. بنابراین، اگرچه کلمه عهد در افسسیان ۲:۱۱ تا ۲۲ استفاده نشده است، اما مطمئناً به نظر می‌رسد که آن را با احیای قوم جدید خدا فرض می‌کند ۲:۱۱ با سکونت عهد معبد خدا با قومش در افسسیان ۲:۱۱ تا ۲۲ به اوج خود می‌رسد، جایی که قوم اکنون در حال ساخته شدن به عنوان معبدی مقدس هستند که خدا با روح خود در آن ساکن است. ما می‌توانیم به متون دیگری نیز اشاره کنیم، جایی که پولس تشکیل قوم جدید خدا متشکل از یهودی و غیریهودی را پیش‌بینی می‌کند، که احتمالاً آغاز و استقرار عهد جدید را فرض می‌کند.

زیرا بار دیگر، وقتی به متون عهد جدید، به ویژه حزقیال و ارمیا، برمی‌گردید، همه آنها در چارچوب و فرض بر احیای قوم خدا هستند. بنابراین، اگر قوم خدا اکنون در حال شکل‌گیری و تجدید و خلقت و احیای خود هستند، پس عهد جدید باید آغاز و اجرا شود. اشاره ضمنی دیگر به عهد جدید، اشارات پولس به بخشش گناهان است.

حال، می‌توانیم به متون متعددی استناد کنیم، اما فقط برای اینکه مثالی از اهمیت این مضمون در سراسر متون ادبی ارائه دهیم، به فصل ۳ و آیات ۲۴ و ۲۵ برمی‌گردم. در آیه ۲۳، همه ما گناه کرده‌ایم و از جلال خدا قاصر بوده‌ایم و همه ما به واسطه فیض او، از طریق رستگاری که توسط عیسی مسیح حاصل شد و مسیح را به عنوان قربانی کفاره از طریق ریختن خونس که با ایمان دریافت می‌شود، ارائه داد، آزادانه توجیه می‌شویم. او این کار را برای نشان دادن عدالت خود انجام داد، زیرا در بردباری خود، گناهانی را که از قبل مرتکب شده بودند، بدون مجازات گذاشت.

بنابراین، این واقعیت که مرگ مسیح اکنون به مسئله گناه می‌پردازد و از طریق قربانی کفاره، بخشش گناهان را به ارمغان می‌آورد. ما بعداً با جزئیات بیشتری به این متن خواهیم پرداخت، اما به وضوح زمینه مرگ مسیح بر روی صلیب، پرداختن به گناهان بشریت و تحقق وعده‌های عهد جدید را فراهم می‌کند. به طور واضح‌تر، غلاطیان فصل ۱ و آیه ۴. من به عقب برمی‌گردم و با آیه ۳ شروع می‌کنم. فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، و خداوند ما عیسی مسیح، که خود را برای گناهان ما فدا کرد تا ما را از عصر شریر کنونی، طبق اراده خدا و پدرمان، نجات دهد، بر شما باد.

جلال تا ابد بر او باد. آمین. بنابراین، تصور اینکه خدا مسیح را برای گناهان ما، مرگ مسیح بر روی صلیب به نمایندگی از گناهان مردم، فدا کرد، باز هم، به نظر من، زبان عهد جدید را در بر می‌گیرد.

افسسیان فصل ۱ و آیه ۷. در او، ما از طریق خون او، رستگاری، بخشش گناهان مطابق با غنای فیض خدا را داریم. بنابراین، یک بار دیگر، بخشش گناهان با مرگ عیسی و با خون او به عنوان تحقق وعده‌های مرتبط با عهد جدید مرتبط است. بنابراین، من متقاعد شده‌ام که وقتی پولس در نامه خود یا سایر نویسندگان عهد جدید در سراسر نامه‌هایشان به بخشش گناهان اشاره می‌کند، زیربنای این امر، فرض آغاز و تأسیس عهد جدید است که نوید بخشش و پاک شدن گناهان را می‌دهد.

متن ضمنی دیگری که قبلاً چند بار به آن اشاره کرده‌ام اما بسیار مهم است، به خصوص با توجه به بحث پولس در دوم قرن‌تین ۳، حضور روح القدس است. همانطور که قبلاً گفتم، هدیه روح القدس به مردم یک آموزه کلیسایی یا یک آموزه مسیحی نیست که نویسندگان عهد جدید آن را اختراع کرده باشند یا ناگهان تصمیم گرفته باشند تا بر وحی جدیدی که اکنون مهم است تأکید کنند یا آن را دریافت کنند. اما وعده و هدیه روح القدس به قوم خدا و کلیسا چیزی کمتر از تحقق عهد جدید نیست.

واضح است که در دوم قرن‌تین، می‌بینیم که پولس روح القدس موعود را با عهد جدید مرتبط می‌کند. اما می‌توان از متون دیگر در سراسر عهد جدید نیز برای اثبات این موضوع استفاده کرد. به عنوان مثال، در رومیان ۸، من کل متن را نمی‌خوانم، اما اگر نگاهی گذرا به آن بیندازید، متوجه خواهید شد که چند بار به روح القدس اشاره شده است.

فقط اجازه دهید آیات ۵ و ۶ از رومیان ۸ را بخوانم. کسانی که مطابق با جسم زندگی می‌کنند، ذهنشان معطوف به خواسته‌های جسم است، اما کسانی که مطابق با روح زندگی می‌کنند، ذهنشان معطوف به خواسته‌های روح است. ذهنی که تحت سلطه جسم است، مرگ است، اما ذهنی که تحت سلطه روح است، حیات و آرامش است. در آن متن، ارتباط بین روح که حیات می‌بخشد نیز جالب است، که همان ارتباطی است که پولس در دوم قرن‌تین ۳ می‌بیند، جایی که او به وضوح به واقعیت‌های عهد جدید اشاره می‌کند.

اول قرن‌تین ۱۲، من آن را نمی‌خوانم، اما عطایای شناخته‌شده‌ی روح. غلاطیان ۵، ۱۶-۱۸، و ۲۲-۲۵، میوه‌ی شناخته‌شده‌ی روح. همچنین، افسسیان ۱: ۱۳-۱۴، و شما نیز در مسیح گنجانده شدید وقتی پیام حقیقت، انجیل نجات خود را شنیدید، وقتی ایمان آوردید که در او با مهری نشان داده شدید، که همان روح القدس موعود است، که بیعانه‌ای است که میراث ما را تضمین می‌کند تا رستگاری کسانی که ملک خدا هستند برای ستایش جلال او.

بنابراین حتی در این زبانِ مُهرِ روح القدس، به برخی از استعاره‌های مختلف استفاده شده در اول قرن‌تین ۱۲، تعمید روح القدس، میوه روح و اکنون مُهرِ روح توجه کنید. اما به نظر من، همه این متون، وعده عهد جدید را مفروض می‌گیرند و به آن برمی‌گردند. اعمال رسولان باب ۲، جایی که پطرس در واقع از یوئیل باب ۲ نقل می‌کند، نیز در یک زمینه عهد جدید است، ریختن روح بر قوم خدا، که با آنچه در حزقیال ۳۶ می‌یابیم سازگار است.

در این صورت، فصل دوم اعمال رسولان نیز متنی از عهد جدید خواهد بود، تحقق عهد جدید توسط ریختن روح خدا بر قومش. حال، بعداً، جلسه‌ای را به بررسی دقیق‌تر روح القدس در عهد عتیق و جدید اختصاص خواهیم داد، اما در این مرحله، به سادگی کافی است بگوییم که اشارات سراسر عهد جدید به روح القدس و نقش‌ها و تجلیات مختلف او و غیره، احتمالاً همگی به تحقق عهد جدید برمی‌گردند و حداقل آن را فرض می‌کنند. بنابراین، آنچه در این مورد مهم است این است که تمام برکات نجاتی که ما تجربه می‌کنیم نتیجه عهد جدیدی است که با مرگ و رستاخیز عیسی مسیح آغاز شد.

می‌دانم که قبلاً این را گفته‌ام، اما نمی‌توانم به اندازه کافی بر آن تأکید کنم. باز هم، ما اغلب تمایل داریم برخی از این موارد را به عنوان واقعیت‌های عهد جدید یا واقعیت‌های کلیسا یا مسیحیت، نجات، رستگاری، برخی از این عباراتی که قبلاً در نامه‌های پولس خوانده‌ایم، دریافت روح القدس، توجیه و غیره، همه این چیزهایی که اغلب در دسته تجربه مسیحیان قرار می‌دهیم، در نظر بگیریم. باید تشخیص دهیم که همه این برکات را جدا از آغاز و تحقق عهد جدید از طریق مرگ و رستاخیز شخص عیسی مسیح تجربه نمی‌کنیم. حال، برای اینکه از نامه‌های پولس فراتر برویم و عهد جدید، اهمیت عهد جدید و نقشی که عهد جدید در بقیه نامه‌هایی که

به صراحت آغاز عهد جدید از ارمیا، به ویژه ارمیا ۳۱ و حزقیال فصل ۳۶ را فرض می‌کنند یا به آن اشاره می‌کنند، نشان دهیم.

یکی از متونی که نمی‌خواهم وقت زیادی روی آن بگذارم، چون قبلاً آن را در رابطه با عهد عتیق خوانده‌ایم، عبرانیان فصل ۸، آیات ۷ تا ۱۳ است. در عبرانیان فصل ۸، آیات ۷ تا ۱۳، نویسنده به صراحت و به تفصیل از ارمیا فصل ۳۱، آیات ۳۱ تا ۳۴ نقل قول می‌کند. بنابراین برخلاف پولس که در فصل ۳ رساله دوم قرن‌تین به آن اشاره می‌کند، نویسنده عبرانیان به تفصیل از ارمیا فصل ۳۱، آیات ۳۱ تا ۳۴ نقل قول می‌کند.

نویسنده این کار را انجام می‌دهد تا ناکارآمدی عهد عتیق را نشان دهد و نیاز به عهد جدید را اثبات کند. ما قبلاً گفتیم که مشکل عهد عتیق این نبود که بد یا شیطانی یا گناه‌آلود بود یا اینکه طرحی بود که خدا آغاز کرد، بلکه نتیجه معکوس داد، بنابراین او به سراغ طرح ب رفت. با این حال، مشکل عهد عتیق، شورش و گناهکاری اسرائیل بود. عهد عتیق در درون خود مکانیسم درونی برای مقابله نهایی و غلبه بر شورش و گناه قوم خدا نداشت.

بنابراین، در ارمیا ۳۱ می‌بینیم که نویسنده روزی را پیش‌بینی و پیشگویی می‌کند که خداوند عهد جدیدی برقرار خواهد کرد که در آن دوباره شریعت خود را قرار خواهد داد، شریعت خود را در قلب‌های آنها خواهد نوشت و آنها را قادر خواهد ساخت تا آن را حفظ کنند. نویسنده عبرانیان متقاعد شده است که عیسی مسیح اکنون عهد جدید را آغاز کرده است. توجه دارید که در سراسر کتاب عبرانیان، به ویژه هنگامی که به خواندن فصل‌های ۹ تا ۱۰ ادامه می‌دهید، برخی فکر می‌کنند که فصل‌های ۸ تا ۱۰ به نوعی بخش اصلی عبرانیان است.

اما وقتی آن فصل‌ها را می‌خوانید، متوجه می‌شوید که عهد جدید با خیمه و معبد و قربانی و کهنات مرتبط است. بنابراین، استدلال نویسنده این است که اگر در یکی از آنها تغییری ایجاد شود، باید در همه آنها نیز تغییری ایجاد شود. بنابراین، اگر عهد جدیدی آغاز شده باشد، باید یک خیمه معبد جدید، یک قربانی جدید و یک کهنات جدید نیز وجود داشته باشد.

نویسنده استدلال می‌کند که عیسی مسیح به عنوان بخشی از تأسیس و آغاز نجات عهد جدید که اکنون، مسیح به ارمغان می‌آورد، همه این موارد را محقق کرده است. بنابراین، می‌توانیم در این مورد بیشتر بگویم اما ما به عبرانیان در ارتباط با تعدادی از مضامین دیگر نگاه کرده‌ایم. و من می‌خواهم به دو مورد دیگر، که اغلب به عنوان رساله‌های عمومی شناخته می‌شوند، پردازم.

سپس، با کتاب مکاشفه به پایان می‌رسانیم و به تعدادی از اشارات به عهد و پیمان جدید، به ویژه اشاره به تکمیل عهد جدید، نگاهی خواهیم انداخت. اما یک اشاره احتمالی برای من جذاب است، و تأکید می‌کنم اشاره احتمالی به عهد جدید، در رساله دوم پطرس در فصل اول یافت می‌شود. من این مشاهده را دوباره مدیون اسکات هافمن در مقاله‌اش در مورد عهد و پیمان‌ها در مجموعه‌ای از مقالات با عنوان «مضامین اصلی در الهیات کتاب مقدس» هستم.

در دوم پطرس ۱، از آیه سوم، این را می‌خوانیم: قدرت الهی او هر آنچه را که برای یک زندگی خداپسندانه نیاز داریم، به ما عطا کرده است، از طریق شناخت او که ما را به جلال و نیکویی خود فراخوانده است. از طریق اینها، او وعده‌های بسیار عظیم و گرانبه‌ای خود را به ما داده است تا از طریق آنها در طبیعت الهی سهیم شوید و از فساد این جهان که ناشی از امیال شیطانی است، رهایی یابید. به همین دلیل، تمام تلاش خود را بکنید تا به ایمان خود، نیکویی و به نیکویی، دانش، به دانش، خویش‌تنداری، به خویش‌تنداری، استقامت، و به استقامت، دینداری، و به دینداری، محبت متقابل، و به محبت متقابل، عشق بیفزایید.

اگر این ویژگی‌ها را به میزان فزاینده‌ای دارا باشید، شما را از بی‌اثر و بی‌ثمر بودن در شناخت خداوندان عیسی مسیح باز می‌دارند. اما هر که آنها را نداشته باشد، نزدیک‌بین و نابینا است و فراموش می‌کند که از گناهان گذشته خود پاک شده است. بنابراین، برادران و خواهران من، تمام تلاش خود را بکنید تا دعوت و برگزیدگی خود را تأیید کنید.

زیرا اگر این کارها را انجام دهید، هرگز لغزش نخواهید خورد و به پادشاهی ابدی پروردگار و ناجی ما عیسی مسیح با آغوش باز پذیرفته خواهید شد. حال، مطالب زیادی در اینجا وجود دارد و من نمی‌خواهم دوباره به جزئیات برخی از این کلمات و مطالب پردازم، اما آنچه حافظ به آن توجه کرده است این است که ظاهراً این بخش، ساختار عهد را منعکس می‌کند. آیات سه و چهار، مقدمه‌ای بر اثبات آنچه خدا برای قوم خود انجام داده است، می‌باشند.

این بخش تدارک عهد است، تدارکی که خدا برای قومش در نظر گرفته است. بنابراین، خدا هر آنچه را که برای یک زندگی خداپسندانه نیاز داریم، به ما داده است. او وعده‌های عظیم و گرانبهای خود را به ما داده است. تا از طریق آنها، شما بتوانید در طبیعت الهی سهیم شوید و از فساد دنیا رهایی یابید.

بنابراین، آیات اول، سه و چهار، مقدمه عهد یا اثبات آنچه خدا انجام داده است، یعنی تدارکات او برای قومش، خواهد بود. سپس، مفاد عهد در آیات پنج تا هفت یافت می‌شود. به همین دلیل، تمام تلاش خود را بکنید تا این موارد را به ایمان خود بیفزایید و در نهایت تقوا را نیز به آن اضافه کنید.

اگر آنها را داشته باشید، خود را از بی‌اثر بودن حفظ خواهید کرد. سپس، در نهایت، آیات هشتم تا یازدهم وعده‌ها و نفرین‌های عهد خواهند بود. بنابراین، آیه هشتم، اگر این کارها را انجام دهید، اساساً اگر این کارها را انجام ندهید، بی‌اثر خواهید بود، و نزدیک‌بین و نابینا خواهید بود و فراموش خواهید کرد که از گناهانتان پاک شده‌اید.

اما اگر این کارها را انجام دهید، هرگز لغزش نخواهید خورد و با استقبال فراوانی روبرو خواهید شد. بنابراین این امکان وجود دارد، و من نمی‌خواهم در مورد این یا آن بحث کنم، اما این امکان وجود دارد که هافمن ساختار عهد را، در این مورد با اشاره به عهد جدید، در پشت آیات ۳ تا ۱۱ از باب ۱ دوم پطرس جدا یا شناسایی کرده باشد. متن دیگری که فکر می‌کنم واقعیت‌های عهد جدید را نشان می‌دهد، کل کتاب اول یوحنا است.

با این حال، تا آنجا که من می‌دانم، رساله اول یوحنا صراحتاً به عهد جدید اشاره نمی‌کند یا از ارمیا ۳۱ یا حزقیال ۳۶ یا ۳۷ نقل قول یا اشاره‌ای به آنها نمی‌کند. به نظر می‌رسد تعدادی از مفاهیمی که یوحنا به آنها اشاره می‌کند، بار دیگر فرضی و مستقیماً از وعده‌های عهد جدید ارمیا ۳۱ و آیات ۳۶ و ۳۷ ناشی می‌شوند. به عنوان مثال، تأکید مکرر یوحنا بر بخشش گناهان در سراسر کتابش، که مشهورترین آن در اول یوحنا ۱ آیه ۹ است، جایی که او می‌گوید، اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است و گناهان ما را می‌بخشد و ما را از هرگونه بی‌عدالتی پاک می‌کند.

بنابراین، به نظر می‌رسد که آن عبارت بخشش گناهان، تطهیر یا پاک کردن ما، منعکس کننده، حداقل منعکس کننده یا فرض کننده‌ی عبارت عهد جدید از ارمیا فصل ۳۱، حزقیال ۳۶ است. در یوحنا اول فصل ۲ و آیه ۲، او قربانی کفار ما برای گناهان ماست، نه تنها برای گناهان ما، بلکه برای گناهان تمام جهان ۲ بنابراین، متون دیگری نیز وجود دارد که احتمالاً می‌توانیم برای بخشش گناهان در یوحنا به آنها مراجعه کنیم، اما من فقط متون نمونه را ارائه می‌دهم.

روح القدس، حضور و کار روح القدس در زندگی مردم در سراسر اول یوحنا. فصل ۳، اول یوحنا فصل ۳ و آیه ۲۴، کسی که فرامین خدا را حفظ می‌کند در او زندگی می‌کند و او در آنها، و اینگونه است که ما می‌دانیم که او در ما زندگی می‌کند. ما این را از طریق روح القدس می‌دانیم که او به ما داده است، یا به معنای واقعی کلمه از طریق روح، اما از طریق روحی که او به ما داده است، می‌دانیم.

در فصل ۴ و آیه ۱۳ از همان متن، ۴:۱۳، اینگونه است که می‌دانیم ما در او زندگی می‌کنیم و او در ما؛ او روح خود را به ما داده است. بنابراین، یک بار دیگر به اعطای هدیه روح، ریزش روح بر قوم خدا در اول یوحنا توجه کنید، که با دگرگونی آنها و نحوه زندگی آنها مرتبط است، به عنوان نشانه‌ای از اینکه واقعیت روح در زندگی آنها به نظر من منعکس کننده واقعیت‌های عهد جدید است. سپس، در سراسر اول یوحنا نیز زبان تولد تازه وجود دارد.

برای مثال، در فصل ۳ و آیه ۹، هیچ‌کس که از خدا زاده شده باشد، به گناه ادامه نخواهد داد زیرا بذر خدا در او باقی می‌ماند. آنها نمی‌توانند به گناه ادامه دهند زیرا از خدا زاده شده‌اند. آیه ۱۰: اینگونه است که ما فرزندان خدا و فرزندان شیطان را می‌شناسیم.

هر که کار نیک انجام نمی‌دهد، فرزند خدا نیست، و همچنین هر که برادر و خواهر خود را دوست ندارد، فصل ۴ و آیه ۷، ای عزیزان، بیایید یکدیگر را دوست بداریم، زیرا عشق از خداست. هر که دوست می‌دارد، از خدا زاده شده است.

در فصل ۵ و آیه ۱، هر که ایمان دارد عیسی، مسیح است، از خدا زاده شده است. و هر که پدر را دوست دارد، فرزند او را نیز دوست دارد. آیه ۴ از فصل ۵، زیرا هر که از خدا زاده شده است، بر جهان غلبه می‌کند.

در فصل ۵ و آیه ۱۸، می‌دانیم که هر کسی که از خدا زاده شده باشد، به گناه ادامه نمی‌دهد. کسی که از خدا زاده شده است، او را در امان نگه می‌دارد و شیر نمی‌تواند به او آسیبی برساند، اشاره‌ای به مسیح. اما به اشاراتی که به تولد یافتن، تولد دوباره یا زاده شدن از اشاره دارد، توجه کنید، شاید چیزی شبیه به آنچه در یوحنا فصل ۳ و گفتگوی عیسی با نیکودیموس می‌یابیم، منعکس شود.

این ایده تولد تازه یا تجدید حیات به طور خاص به فصل ۳۶ کتاب حزقیال و وعده‌های عهد جدید برمی‌گردد. بنابراین، اول یوحنا، بدون اشاره خاص به عهد جدید، شامل تعدادی از برکات مرتبط با عهد جدید است که آغاز شده‌اند یا به دلیل آغاز عهد جدید وجود دارند. بخشش گناهان، هدیه روح القدس، تولد تازه و تجدید حیات.

این ما را به آخرین کتاب عهد جدید می‌رساند، و آن کتاب مکاشفه است. مکاشفه همچنین متون متعددی دارد که واقعیت‌های عهد جدید را نشان می‌دهد، چه در حال حاضر و چه در حال حاضر که آشکار نشده است. بنابراین، برای مثال، در فصل ۱ و آیات ۵ و ۶، درست در ابتدای کتاب، و این متن به دلیل دیگری نیز مهم است که بعداً هنگام بحث در مورد چند موضوع دیگر خواهیم دید، اما از آیه ۵ به بعد، به عقب برمی‌گردم و آیه ۴ را می‌خوانم. این بخشی از مقدمه یوحنا بر کتاب است که آن را به عنوان یک نامه ارائه می‌دهد.

یوحنا به هفت کلیسا در استان آسیا، فیض و آرامش بر شما باد از جانب او که هست، بود و خواهد آمد، و از جانب هفت روح پیشگاه تخت، و از جانب عیسی مسیح، که شاهد امین، نخست‌زاده مردگان، فرمانروای پادشاهان زمین است، به سوی او که ما را دوست دارد و ما را با خون خود از گناهانمان آزاد کرده و ما را به پادشاهی کاهنان تبدیل کرده است. بنابراین حتی کتاب مکاشفه با این تصویر از خون خود عیسی مسیح آغاز می‌شود، که قوم خود را از گناهانشان آزاد می‌کند تا به قومی جدید، پادشاهی کاهنان تبدیل شوند. بنابراین، به

این مفهوم بازسازی و ایجاد قومی جدید بر اساس این واقعیت توجه کنید که او از طریق خون مسیح، آنها را از گناهانشان آزاد کرده است.

او گناهان آنها را از طریق مرگ فداکارانه‌اش بخشیده است. به نظر می‌رسد همه اینها مقدمه‌ای برای برقراری عهد جدید است و آن را به یاد می‌آورد. علاوه بر این، در فصل ۵ و آیه ۹، دقیقاً همان زبان یا بسیار مشابه را در فصل ۵ و آیه ۹ می‌بینیم و آنها سرود جدیدی می‌خوانند که می‌گویند: «تو شایسته‌ای که به بره، عیسی مسیح، اشاره دارد. تو شایسته‌ای که طومار را برداری و مهرهای آن را باز کنی، زیرا تو کشته شدی و با خون خود، مردم را از هر قبیله و زبان و قوم و ملتی برای خدا خریدی».

بنابراین یک بار دیگر، این ایده خرید مردم به وسیله خون مسیح، خون مسیح، دوباره، چیزی که عهد جدیدی را آغاز می‌کند و اکنون قومی جدید را ایجاد می‌کند، اما قومی بین‌المللی، مردمی از هر قبیله و زبان و غیره. و سپس یکی دیگر، قبل از اینکه خیلی خیلی سریع به متنی که قبلاً در ارتباط با چند موضوع دیگر به آن نگاه کرده‌ایم، نگاه کنیم، چند متن دیگر که به وضوح به نظر می‌رسد در زمینه عهد هستند و شاید کل کتاب مکاشفه را در زمینه عهد قرار می‌دهند، فصل ۱ و آیه ۳ و سپس ۲۲ آیات ۱۸ و ۱۹ است. فصل ۱ و آیه ۳ می‌گوید، خوشا به حال کسی که کلمات این پیشگویی را می‌خواند، و خوشا به حال کسانی که آن را می‌شنوند و آنچه در آن نوشته شده را به خاطر می‌سپارند.

یا به معنای واقعی کلمه، کسانی که آنچه در آن نوشته شده است را حفظ می‌کنند. بنابراین، برای کسی که کلام را می‌خواند و می‌شنود، برکتی وجود دارد، اما به ویژه کسانی که می‌دانند این کار فقط با خواندن و شنیدن آن انجام نمی‌شود، بلکه با حفظ و اطاعت از آن نیز انجام می‌شود. بنابراین، برای کسانی که از آنچه در کتاب مکاشفه یافت می‌شود، اطاعت می‌کنند، برکتی وجود دارد.

حالا، نکته‌ی جالب این است که وقتی به انتهای کتاب مکاشفه در باب ۲۲ می‌رسیم، دو آیه‌ی جالب وجود دارد که من اغلب فکر می‌کنم کمی اشتباه فهمیده می‌شوند. و آن این است که، من به هر کسی که سخنان پیشگویی طومار را می‌شنود هشدار می‌دهم. به شباهت آن با آیه‌ی ۳ از باب ۱ توجه کنید، خوشا به حال کسی که سخنان این پیشگویی را می‌شنود.

اکنون به هر کسی که سخنان پیشگویی طومار را می‌شنود، هشدار می‌دهم: اگر کسی به آنها بیفزاید، خدا، بلائی شرح داده شده در این کتاب را بر او خواهد افزود. و اگر کسی از طومار این پیشگویی چیزی کم کند، خدا هر سهمی را که از درخت حیات و شهر مقدس، که در طومار شرح داده شده است، از او خواهد گرفت.

حالا، نکته‌ی قابل توجه در مورد زبان اضافه کردن و کم کردن چیست؟ ما معمولاً این آیات را در این زمینه نقل می‌کنیم که نباید هیچ کتابی به عهد جدید یا کتاب مقدس اضافه شود، زیرا، یا نباید در کتاب مکاشفه دستکاری کنیم زیرا می‌گوید اضافه یا کم نکنید. با این حال، می‌خواهم دو نکته در مورد این آیات بیان کنم. اول اینکه، به نظر می‌رسد این آیات اشاره‌ی مستقیمی به تثنیه دارند.

فکر می‌کنم آیات مورد نظر من تثنیه و باب ۴ هستند. تثنیه باب ۴، و آیه ۱ را می‌خوانم. حالا ای اسرائیل، به فرایض و قوانینی که می‌خواهم به تو بیاموزم گوش کن. بنابراین، این در چارچوب عهدی است که خدا با اسرائیل بسته است.

به فرایض و قوانینی که به شما می‌آموزم گوش دهید. از آنها پیروی کنید تا زنده بمانید و بتوانید به سرزمینی که خداوند، خدای اجدادتان، به شما می‌دهد، وارد شوید و آن را تصرف کنید. به آنچه به شما فرمان

می‌دهم، چیزی نیفزایید و چیزی از آن کم نکنید، بلکه فرمان‌های خداوند، خدای خود را که به شما داده‌ام، نگه دارید.

متن مشابهی در تثنیه، فصل ۱۲ نیز وجود دارد. اما نکته این است که من متقاعد شده‌ام که زبان پولس برای جمع و تفریق به عهد برمی‌گردد. بنابراین، ما باید مکاشفه ۲۲، ۱۸ و ۱۹ را در ارتباط با فصل ۱، آیه ۳ بخوانیم. فصل ۱، آیه ۳ می‌گوید، شنیدن و اطاعت کردن برکت دارد.

اما حالا، فصل‌های ۱۸: ۲۲ و ۱۹ به ما یادآوری می‌کنند که برای امتناع از اطاعت، نفرین وجود دارد. من فکر می‌کنم جمع و تفریق ربطی به نوشتن جملات اضافی یا حذف کتاب‌ها یا پاراگراف‌ها ندارد. این مربوط به عدم اطاعت از کلام خداست.

همانطور که در تثنیه ۴ دیدیم، به بنی‌اسرائیل گفته شد که چیزی اضافه یا کم نکنند، بلکه همه چیز را که در آن نوشته شده است، حفظ کنند. بنابراین، اضافه یا کم کردن به مکاشفه به معنای عدم رعایت آن و نافرمانی از آن خواهد بود. و بنابراین، کل کتاب مکاشفه در میان این ایده عهد، یعنی برکات و لعنت‌ها، قرار گرفته است.

خوشا به حال کسی که آن را می‌خواند، می‌شنود و اطاعت می‌کند. حال، لعنت برای کسانی که اضافه یا کم می‌کنند یا کسانی که اطاعت نمی‌کنند، وجود دارد. بنابراین، کل کتاب در چارچوب برکات و لعنت‌های عهدی برای اطاعت یا عدم اطاعت از هشدارهای موجود در کتاب مکاشفه، به ویژه از طریق بت‌پرستی و به خطر انداختن ایمان به عیسی مسیح است.

با امتناع از دادن اطاعت و پرستش انحصاری به عیسی مسیح و خدا که شایسته آن هستند. علاوه بر این متوجه می‌شوید که فصل ۲۲: ۱۸ و ۱۹، خطاب به کسی است که می‌شنود. چه کسی می‌شنود؟ منظور کلیساها هستند.

بنابراین، این خطاب به کافران نیست. خطاب به فرقه‌ها و مذاهب دروغین نیست. خطاب به قوم خداست.

اینها قوم عهد خدا هستند. و حالا من این را در پی برقراری عهد جدید در نظر می‌گیرم. اطاعت از کلام خدا نعمت‌هایی دارد، اما اکنون نفرین‌هایی نیز برای امتناع از اطاعت و عدم حفظ آن وجود دارد. حال در بخش بعدی، به طور خلاصه به عهد جدید به کمال رسیده‌نگاهی خواهیم پرداخت و سپس به موضوع دیگری خواهیم پرداخت که بسیار بسیار به عهدهای جدید مرتبط است.

و این موضوع قوم خداست.

این سخنرانی دکتر دیو متیوسون در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید است. این جلسه یازدهم در مورد عهد، به ویژه عهد جدید است.